

## عنوان مقاله:

چالشهای پیش روی الگوی تحلیلی «اولریش بک» و «الیزابت بک گرنسهایم» در مسائل خانواده

## محل انتشار:

سومین همایش بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 11

## نویسندگان:

سینا کلهر - عضو هیئت علمی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

نگار کریم پور - دانشجوی دکتری مطالعات زنان

## خلاصه مقاله:

الگوی تحلیلی اولریش بک و الیزابت بک- گرنسهایم در مسئله خانواده بر محور روابط پرتنش میان زوجین استوار است. به نظر آن ها «کشاکش میان دو جنس ماجرای اصلی زمان ما» است. این الگوی تحلیلی که از جانب متفکرانی چون گیدنز نیز پذیرفته شده است، بر فرد گرایی و محور قرار گرفتن آن در دنیای معاصر تاکید دارند. از همین رو در این الگو مسئله ی اصلی، پیدایش فرد گرایی درون روابط زوجین در نهاد خانواده بیان شده است. به نظر می رسد در این تحلیل نوعی تقلیل گرایی و یک جانبه نگری وجود دارد. برخلاف ادعای بک و گرنسهایم مسئله عصر ما تنها فردگرایی نیست و نباید به نحو اغراق آمیزی بر آن تاکید کرد. به عبارت دیگر درست است افراد فردگراتر شده اند، اما این گونه نیست که در گذشته چنین مسئله ای هرگز وجود نداشته است. فردگرایی همواره جزئی از روابط میان زوجین بوده و این تاکید اغراق آمیز باعث نادیده گرفتن ساختارهای ایجاد کننده فرد گرایی، سیاست های دولتی، جبر سرمایه دارانه و مانند آن در این امر می شود. این مقاله تلاش می کند تا با نقد الگوی تحلیلی بک- گرنسهایم از طریق بررسی استدلال ها و تحلیل مورد استفاده آن ها، ضعف های نظری و پیامدهای تحلیلی استفاده از این مدل نظری را روشن نماید.

## کلمات کلیدی:

الگوی نظری، بک و گرنسهایم، خانواده

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1228079>

